



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

ارتقای آموزش در مدارس با هدفمندسازی تشویق‌های دانش‌آموزان در جهت مثبت و ارتقا و ترکیب درس مطالعات اجتماعی و هنر

علی رضائی^۱، رضا غلامی^۲

۱- درجه علمی (یا سمت کاری) نویسنده اول: لیسانس علوم تربیتی آموزش ابتدائی (آموزگار)

۲- درجه علمی (یا سمت کاری) نویسنده دوم: لیسانس علوم تربیتی آموزش ابتدائی (آموزگار)

آدرس پست الکترونیک نویسنده رابط: alirezaei۱۳۷۹۹۰@yahoo.com

چکیده

ما در این مقاله ابتدا سعی کردیم دو روایت از دو معلم بسیار فرهیخته پژوهشگر و دانا بیان کرده و سپس تحلیلی بر آن‌ها و مغازه با منابع معتبر علمی داشته باشیم.

در بخش اول ما سعی کردیم آموزش دهیم که چگونه در مدارس امروز دو قطبی‌های آموزشی و تربیتی به خصوص در دوره ابتدایی به وجود آمده است را درمان کنیم و قشر متوسط که مهمترین گروه آموزش دانش‌آموزان است را بسازیم در حالی که قشر نخبه را همچنان حفظ کرده و رفته رفته قشر ضعیف را درمان کنیم و از تعداد آنها بکاهیم.

در بخش دوم هم آموزش داده شد که از یک رو چگونه درس تاریخ را برای دانش‌آموزان آن را تدریس کرده و از آنها بخواهیم آن را به صورت نمایش اجرا کنند و از سوی دیگر در یک زمان درسی هم در ذهن را داشته باشیم و هم درس مطالعات اجتماعی

کلمات کلیدی: هنر - تاریخ - تشویق - مقایسه - ارتقا آموزش

مقدمه

یکی از مهمترین مشکلاتی که علل خصوص پس از جریان کرونا معلمان در سر کلاس‌های مدرسه خود دارند این است که دانش‌آموزان عملاً به دو گروه اول بسیار قوی و درس‌خوان که عمدتاً از خانواده‌های دارای تمکن مالی بسیار بالا هستند تشکیل می‌شود دوم دانش‌آموزان بسیار تنبل و عدم شور و اشتیاق به مطالعه کتب و همراهی با برنامه‌های آموزشی و درسی مدرسه هستند که معمولاً از لحاظ مالی هم ضعیف هستند. تقسیم می‌شود.

ما ابتدا در این مقاله سعی کردیم که با هدفمندسازی تشویق‌های دانش‌آموزان آرام آرام قشر متوسط درسی را از قشر ضعیف جدا کرده و مبنای تدریس خود را بر این اساس بگذاریم چرا که قشر متوسط هم می‌تواند هم گروهی و همراه خوبی برای دانش‌آموزان ذهن‌باشند و هم برای دانش‌آموزان به اصطلاح تنبل



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در بخش دوم این مقاله راه حلی برای حل مشکل عدم تمایل دانش آموزان به خواندن کتاب حفظ کردنی چون مطالعات اجتماعی است همانگونه که همه ما می دانیم تاریخ درسی حفظی و بسیار مملو از اشخاص و وقایع است و ما تصمیم گرفتیم که چگونه بر این مشکل غلبه کنیم و از سویی جبران کمبود وقت در بخش هنر را هم داشته باشیم.

۱. هدفمندسازی تشویق‌های دانش‌آموزان در جهت مثبت

روایت: مشخصات تجربه

معلم: آقای مهدی قادری آموزگار پایه چهارم ابتدایی در سال ۱۳۹۷

مدرسه: دبستان سهیل ۲

گردآورنده تجربه: علی رضایی

روایت: یکی از مهره‌های ترین و حتی کاربردی ترین تجربه‌هایی که بنده از آقای قادری کارورز خودم در سال ۱۴۰۰ آموختم این بود که در سال ۱۳۹۷ ایشان در یکی از مدارس بالاشهر سنقر و کلیایی مشغول به تدریس بود طبیعتاً وضع مالی خانواده های دانش آموزان و همچنین امکانات مدرسه نسبت به دیگر نقاط شهر از بهبود نسبی برخوردار بود.

آقای قادری پس از حدود ۳ الی ۴ ماه تدریس مشاهده می‌کرد که والدینی که دارای فرزند زرنگ و باهوش در سر کلاس هستند و با دادن جوایز تشویق‌ها و اهدای لوح تقدیرهایی که احتمالاً یا خود تهیه کردند و یا معلم و مدیر آنها اهدا می‌کند باعث ایجاد غرور و اعتماد به نفس کاذب و حتی عدم تلاش بیشتر برای درس خواندن می‌شد و در سوی دیگر دانش آموزان تنبل و سطح پایین کلاس از لحاظ درسی روز به روز درس نخوان تر می‌شدند و عملاً درس را رها می‌کردند و این مطلب را به خود القا می‌کردند که آنها برای درس‌ها من ساخته نشده‌اند.

در طرف مقابل معلم هم نمی‌توانست سطح تدریس کلاس و حتی سطح سوالات را بالا ببرد و همواره مجبور بود در سطح متوسط سوالات و تدریس قرار دهد و این موضوع موجب می‌شد که سوالات برای افراد سطح پایین از نظر درسی بسیار مشکل به نظر برسند و برای افراد سطح بالا به منزله زنگ تفریح بوده و جایی برای پیشرفت آنها قرار نمی‌دادند همواره در یک ساعت یعنی نمره خیلی خوب قرار می‌گرفتند.

راه چاره ای معلم این بود که هدفمند سازی تشویق‌ها را بر اساس سطح نمرات و همچنین سطح رشد افراد طبقه بندی کند.

تحلیل: هدفمندسازی تشویق‌های دانش‌آموزان در جهت مثبت

معمولاً تشویق‌های معلم مدیر و ناظم و والدین که هم به صورت کلامی هست و هم به صورت اهدای جوایز، زمانی به دانش آموزی تعلق می‌گیرد که بیشترین نمره‌ها را در آزمون‌ها کسب کرده باشد و به قول معروف از سایر دانش‌آموزان دیگر زرنگ تر باشد و در سانتر باشد.

این رویکرد فلسفی علاوه بر اینکه موجب سرافکندگی و سرخوردگی دانش‌آموزان سطح پایین علمی می‌شود بلکه موجب افزایش فاصله علمی در میان کلاس می‌شود و همچنین موجب عدم توجه به بعد پرورشی برخلاف آموزشی خواهد شد یعنی:

چه بسا دانش آموزی بسیار با اخلاق باشد اما به دلیل ضعف‌هایی که به هر دلیل در درس خواندن خود دارد مورد غضب قرار گیرد و به اصطلاح شخصیت منفوری کلاس شود و توسط معلم و والدین تر شود و همان بعد مثبت اخلاقی که دارد بدون اینکه تقویت شود و آرام آرام کمرنگ‌تر شده و از بین برود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

و چه بسا کسی از نظر اخلاقی و تربیتی کامل نباشد و در سطح پایین تری از سایرین قرار گرفته باشد اما از نظر درسی و نمرات کسب شده در اثر کلاس جزو بهترین ها باشد در این مورد به عهده منفی اخلاقی دانش آموز در سایه قدرتمند بودن بعد درسی و نمره ای قرار می گیرد و در آینده باعث ایجاد مشکل های اخلاقی و اجتماعی برای دانش آموز می شود.

برای رفع این معضل باید جوایز و تشویق ها و اهدای لوح های تقدیر و غیره را میان دانش آموزان زرنگ کلاس و همچنین آنهایی که نسبت به امتحان قبل و یا به صورت دوره ای و نسی نسبت به دوره آموزشی قبر که می تواند ماهانه سالانه و حتی هفته ای باشد بیشترین اختلاف و ضریب رشد دارند تقسیم شود.

به گونه ای که دو نوع دانش آموز موفق در کلاس مطرح شود الف) دانش آموز نخبه که همواره نمره عالی می گیرد و ب) دانش آموز تلاشگر که نمره و تلاشش نسبت به مرحله قبل پیشرفت چشمگیر دارد حتی اگر نمره دلچسبی را کسب نکند.

به بیان دیگر مسئله مقایسه پیشرفت خود نیست به گذشته مطرح باشد نه مقایسه با دیگران:

ایسه یک روش رایج، برای تعیین کیفیت عملکرد کودک است. شاید تفاوت وزن کودک با سایر بچه ها در بدو تولد، اولین چیزی باشد که مورد مقایسه قرار می دهیم. می بینید ما همینقدر زود شروع به این کار می کنیم! بعد ممکن است به سراغ میزان ساعت خواب و بیداری نوزاد، شدت گریه، شیر خوردن و غیره برویم. درک تفاوت ها، توجه به کودک و تامین نیازهای او به شیوه ای مختص خودش مفید است. با این وجود زمانی که رنگ و بوی مقایسه به خود می گیرد، آسیب های جبران ناپذیری به همراه دارد

شما نمرات فرزندتان را با سایر بچه ها مقایسه می کنید، آن هم نه فقط با همکلاسی هایش! بلکه با بچه های همسایه، اقوام، دوستان و حتی تا دوران تحصیل خود و همسران هم پیش می روید! سپس تعیین می کنید که آیا موفقیت های تحصیلی فرزندتان معمولی ست، بهتر است یا عالی

سپس کودکی را انتخاب می کنیم و به عنوان مرجع مقایسه به او متوسل می شویم تا برای فرزند خود ایجاد انگیزه کنیم! مثلاً ببین! ارزشیابی علوم دختر خاله ات بسیار خوب شده یا پسر همسایه طبقه اولی، همون که با تو می اومد استخر، مدال طلای شنا گرفته یا از بچه های دیگه یاد بگیر، به جای اینکه همه اش سرت توی گوشه و پلی استیشن باشه، از کلاسهاست استفاده کن

قطعاً شما قصد آسیب رساندن به فرزند خود را ندارید و دلسوزترین فرد برای او هستید. اما ناآگاهانه با این اظهارات کلامی به او ضرر می زنید. درواقع مقایسه با دیگران، یک کار بی فایده است و باعث استرس شما و فرزندتان می شود. اما مقاومت در برابر اشتیاق این کار، سخت است

هیچ دو کودکی کاملاً یکسان نیستند، حتی دو قلو های همسان! آنها سرعت رشد، استعدادها و علایق مختلف و نقاط قوت و ضعف متفاوتی دارند. والدین با ابراز ناراحتی از عملکرد ضعیف فرزندان یا لاف زدن در مورد دستاوردهای خود می توانند اعتماد به نفس و عزت نفس را در فرزند خود ایجاد یا از بین ببرند

چرا نباید بچه ها را با هم مقایسه کنیم؟

مقایسه یک دزد شادی است. برخی اظهارنظرها و مقایسه های ظاهراً بی ضرر می تواند برای بچه ها مضر باشد. در اینجا به تعدادی از آسیب های مقایسه اشاره کرده ایم. این یادداشت را دنبال کنید و با فرزندان خود آگاهانه تر رفتار کنید

یک) ایجاد استرس

اگر کودک مرتباً مقایسه شود، احساس فشار می کند. سپس تلاش می کند والدین خود را راضی کند، عدم توانایی در انجام این کار می تواند او را مضطرب کند. وظیفه ما به عنوان والدین، این نیست که برای انجام کارها او را تحت فشار قرار دهیم و



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مضطرب و بیخوابش کنیم. بلکه اگر او دچار مشکلی شده و بر عملکردش تأثیر گذاشته، بنشینید و با او صحبت کنید. در نتیجه با هم راه حل هایی را طراحی و امتحان کنید

(دو) کاهش عزت نفس و احساس ارزشمندی

وقتی شروع به مقایسه می کنید، کودک باور می کند که دیگران از او بهتر هستند. در نتیجه با خود می گوید: من عملکرد خوبی ندارم. نمی توانم انتظارات والدینم را برآورده کنم پس من پسر/ دختر دوست داشتنی و ارزشمندی نیستم. من به اندازه کافی خوب نیستم. این احساس برای رشد شخصی و تحصیلی کودک بسیار مخرب است

(سه) پرهیز از حضور در اجتماع

اگر کودک شما به طور مداوم مورد مقایسه یا تمسخر قرار گیرد، از تعامل با دیگران و حتی همسالان خود، اجتناب می کند. بنابراین به مرور تبدیل به فردی منزوی و گوشه گیر می شود

(چهار) سرکوب استعدادها

کودکی را در نظر بگیرید که استعداد نقاشی دارد، ولی والدین آن را نادیده گرفته و او را به سمت دیگری مثل شنا سوق می دهند و تلاش می کنند با مقایسه ی با دیگران به او انگیزه بدهند. در چنین موقعیت کودک دچار تعارض می شود. زیرا ممکن است برای جلب نظر والدین استعداد نادیده انگاشته خود را سرکوب کند و با بی میلی شنا را ادامه دهد و در این زمینه هم موفقیتی کسب نکند

(پنج) کاهش دغدغه مندی

اگر استعدادها یا موفقیت های کودک به طور مداوم نادیده گرفته شود، ممکن است او دیگر حتی زحمت نکشد که توجه شما را جلب کند. زیرا شما به وضوح کودک دیگری را که موفقیت های "مناسب تری" دارد، به او ترجیح می دهید. در نتیجه تبدیل به فردی بی دغدغه می شود که برای حل مسائل و پذیرش مسئولیت های زندگی تلاش نمی کند

(شش) فاصله گرفتن از والدین

واضح است که اگر کودک نسبت به خواهر و برادر، پسر عمو، دوستان یا همسایگان مرتبا مقایسه شود، آشکارا نتیجه می گیرد که برای شما فردی غیرقابل قبول است و شما از او ناراضی هستید. در نتیجه شما منبع آزار او شوید و او سعی کند فاصله خود با شما را حفظ کند. بنابراین ممکن است کودک، احساس ناامنی کند و اعتماد خود را از دست دهد. در نتیجه در دوران نوجوانی و بلوغ، مشکلات رفتاری و ناسازگاری های بیشتری را تجربه خواهید کرد

(هفت) افزایش رقابت بین خواهر و برادرها

یک مطالعه جدید نشان می دهد که والدین باید مراقب مقایسه فرزندان خود با یکدیگر باشند. نتایج این پژوهش نشان می دهد که باورهای والدین در مورد فرزندان، ممکن است بر رشد آنها تأثیر بگذارد. برای والدین سخت است که تفاوت های بین فرزندان خود را متوجه شوند یا به آنها فکر کنند، این امری طبیعی ست. اما برای کمک به موفقیت همه کودکان، والدین باید به جای مقایسه بر شناخت نقاط قوت هر یک از فرزندان خود متمرکز شوند



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

هنگامی که به جای تمجید و ویژگی های منحصر بفرد هریک از فرزندان، شروع به مقایسه می کنید، ممکن است فرزند شما مخفیانه، شروع به نفرت از خواهر و برادر خود کند. این ممکن است او را به سمت رفتار پرخاشگرانه، دعوا و حتی ضرب و جرح یکدیگر سوق دهد. در نتیجه دعوای خواهر و برادری شروع شود. همچنین در حال انتقال این پیام هستیید که کودکی دوست داشتنی تر است که کارها را بهتر انجام دهد و این موفقیت بچه هاست که آنها را محبوب می کند نه صرف وجود آنها. در نتیجه ، ممکن است کودک شروع به تحقیر و سرزنش خودش کند

چطور از مقایسه کردن دست بکشیم؟

در حالیکه ما در تمام مدت عمرمان مورد مقایسه قرار گرفته ایم، این رفتار تبدیل به یک عادت شده است. در نتیجه تغییر آن بسیار دشوار است. راهکارهای زیر کمک می کند تا مقایسه کردن را متوقف کنیم

یک) نقاط قوت او را تحسین کنید

هرگاه کودک شما عملکرد مثبتی داشت و کارهای خود را به درستی انجام داد، او را تشویق کنید. خواندن این یادداشت به شما کمک می کند، این کار را به درستی انجام دهید

دو) او را فقط با خودش مقایسه کنید

هر فردی اجازه دارد خودش را فقط با خودش مقایسه کند. این بدین معنی است که اگر خواستید عملکرد تحصیلی، ورزشی، هنری و یا مهارتهای کودک را ارزیابی کنید توانایی های او را با توانایی های خود کودک در گذشته مقایسه کنید. مثلاً وقتی که کودک از مدرسه بر می گردد و به شما می گوید که در درس ریاضی نمره ۱۸ گرفته شما می توانید دو عکس العمل نشان دهید

عکس العمل غلط ۱۸: شدی؟ علی (شاگرد اول کلاس) چند شد؟

عکس العمل صحیح ۱۸: شدی؟ آفرین! نسبت به آزمون قبل یک نمره بیشتر شدی

اگر کودک نمره بهتری نسبت به قبل خود کسب نکرده تلاش او برای آزمون را تحسین کنید. اما مقایسه نکنید. این کار باعث ایجاد اعتماد به نفس در او می شود

گاهی فرزندان بعد از شنیدن این جملات خودشان دست به مقایسه می زنند. مثلاً

فرزند: آره من ۱۸ شدم ولی علی ۲۰ شد. من نتونستم ۲۰ بگیرم

عکس العمل درست والدین در این شرایط این است: کار خود را در آن لحظه رها کنید و کنار کودک بروید و به چشم های او نگاه کنید و با لحنی آرام و مهربان نامش را صدا بزنید و بگویید: شایان! من ازت می خوام که دیگه خودت رو با هیچ کس مقایسه نکنی! تو فقط اجازه داری عملکرد خودت رو با عملکرد قبلی ات مقایسه کنی

سه) از کودک حمایت کنید

در بین صحبت های خود با فرزندان، از او بپرسید که آیا به کمک نیاز دارد تا از او حمایت کنید؟ به او اطمینان دهید که شما به عنوان والدین در انجام کارها او را حمایت خواهید کرد

چهار) انتظارات واقع بینانه داشته باشید



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اگر دخترتان استعداد نویسندگی دارد و می خواهد نویسنده شود، او را مجبور نکنید بخاطر اینکه بیشتر اقوام شما مهندس هستند، این رشته را انتخاب کند. او ممکن است باهوش اما فاقد استعداد و علاقه ریاضی باشد

پنج) او را بدون قید و شرط دوست بدارید

اگر فرزند شما نتوانست نمره خوبی کسب کند، به او این احساس را ندهید که شما را ناامید یا شرمند کرده است. همیشه از فرزند خود حمایت کنید. با او گفتگو کنید و او را به تمرین بیشتر تشویق کنید. همیشه از تلاش های او قدردانی کنید. به او بگویید که او را همین طوری که هست، دوست دارید

شش) الگو سازی کنید

اگر در نزدیکی خود فردی با ویژگی های مثبت هست که دوست دارید فرزندتان صفات او را داشته باشد، می توانید اینگونه عمل کنید. در حالی که فرزندتان صدای شما را می شنود، همسران را مخاطب قرار دهید و درباره ویژگی های مثبت آن شخص صحبت کنید. معمولاً بچه ها در این موارد شروع به تقلید آن ویژگی های مثبت می کنند

هفت) به او گوش دهید

اگر فرزندتان شکایت دارد که "شما همیشه طرف دیگری هستید" یا "همیشه از پسرعمو حمایت می کنید نه من"، پس به احساسات او توجه کنید، شاید اعمال شما - کلامی یا غیرکلامی این احساسات را درون او ایجاد کرده است! در این مورد بیشتر دقت کنید

به خاطر داشته باشید، نه شما می توانید یک مادر/پدر کامل باشید و نه فرزندتان می تواند یک پسر/دختر کامل در تمام زمینه های دانشگاهی، ورزشی یا اجتماعی باشد. همه انسانها باید با چالش های مختلفی روبرو شوند. اگر عمیق فکر کنید، دو فرزند شما در مجموعه توانایی ها و مهارت هایشان متفاوت هستند. فقط به خاطر آنچه که هستند به فرزندان خود افتخار کنید و عشق خود را به آنها هدیه دهید. همانطور که ابتدای یادداشت گفتیم، مقایسه دزد شادی ست. بنابراین لذت کودکی فرزند خود را سرقت نکنید. به او فضایی برای رشد دهید

اثرات مخرب مقایسه کودکان

مقایسه کردن برای هر شخصی نابود کننده است. این برای کودکان تحقیر کننده است. کودکان بسیار حساس و لطیف هستند و در صورت انتقادهای منفی عملکرد خوبی ندارند. اگر این انتقادها به آن ها بگوید که دیگران بهتر از آن ها هستند این بسیار دردناک است. این به این معنا نیست که ما نباید اشتباه هاتشان را به رویشان بیاوریم اما پیشروی از این مرحله بسیار مخرب است.

هر بچه ای متفاوت است. در حال حاضر زمانی که مقایسه کردن انسان ها همه جا فراگیر شده لازم است که به فرزندانمان یاد دهیم گاهی شکست بخورند. مقایسه کردن آن ها در هیچ مرحله ای موثر نخواهد بود. آن ها باید یاد بگیرند که هر روز شخصیت شان را بهتر کنند نه اینکه بهتر از هم گروهی شان شوند.

اینکه به طور مداوم آن ها را نصیحت کنید که چطور از بقیه بهتر باشند هیچ فایده ای نخواهد داشت. بهترین کار این است که بر روی عقده حقارت آن ها از پایه کار شود. کاملاً طبیعی است که بخواهیم بدانیم جایگاه فرزندمان در این دنیای رتبه ها و درصدها بین دیگران کجا است. جایی که هر شخصی برای نشستن بر روی صندلی دانشگاه یا دبیرستان تلاش می کند. نصیحت



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مداوم به آن‌ها و گفتن اینکه دیگران از او بهتر هستند هیچ کمکی به او نخواهد کرد. بلکه شما تلاش کنید که عقده‌های کم بینی او را از نو بسازید. در اینجا به پنج اثر مخرب مقایسه کودک اشاره شده است.

۱- باعث عدم اعتماد به نفس‌شان می‌شود

اگر شخصی به ما بگوید که ما در انجام کاری خوب نیستیم و دیگری هستیم که آن را بهتر انجام می‌دهند به طور آرام و پایداری عدم اعتماد به نفس در ما شکل می‌گیرد. فرزندان ما اگر به حد کافی خوب باشند دیگر سرگردان نخواهند بود.

۲- حسادت باعث از بین رفتن ریشه‌ها می‌شود

وقتی شما فرزندان را با یک شخص کامل که در حال حاضر جلوی چشم است مقایسه می‌کنید فرزند شما ممکن است از شدت حسادت رنج ببرد. که این می‌تواند بچه همسایه باشد، یک همکلاسی یا حتی پسرخاله‌اش. حسادت یک احساس خوب که در وجود انسان ریشه بدواند نیست و کودک بیچاره شما از حسادت عذاب می‌کشد که می‌تواند باعث تنفر و حتی پرخاشگری در او شود.

۳- باعث منفی‌گرایی در کودک می‌شود

با مقایسه کردن زمانیکه شخصیت دیگران ساخته می‌شود شخصیت کودک شما متلاشی می‌شود و این می‌تواند باعث منفی‌گرایی در او شود. حتی اگر تلاش هم کنید نمی‌توانید حجم این منفی‌گرایی در او را حدس بزنید. به جای اینکه وظایف جدید و چالش‌های پیش‌رویش را با روحیه مثبت بپذیرد، پذیرش خودش و نتایج کارهایی که انجام می‌دهد منفی خواهد بود. همگی ما می‌خواهیم فرزندانمان را مثبت پرورش دهیم و باعث شادی او شویم.

۴- باعث تخریب رابطه والدین فرزندی می‌شود

اگر شما به فرزند خود بگویید که بچه همسایه بهتر از اوست او به تدریج شروع به تحقیر شما می‌کند. بچه‌ها از لحاظ احساسی آسیب‌پذیر هستند. آن‌ها ممکن است که قادر نباشند که داستان پشت پرده را ببینند و نگرانی شما درباره خودشان را درک کنند. به جایش فکر می‌کنند که شما مخالف آن‌ها هستید.

۵- ممکن است در آینده بزرگسالانی عصبانی و تندخو شوند

والدینی که به راحتی فرزندان‌شان را مقایسه می‌کنند باعث می‌شوند فرزندان‌شان عصبی و تندخو باشند. کودکان ممکن است به طرز افراطی سعی در راضی نگه داشتن والدین‌شان داشته باشند و بعد از مدتی احساس کنند نمی‌توانند انتظارات والدین‌شان را برآورده کنند و اعتماد به نفس و استقلال‌شان را از دست بدهند.

پدر و مادر بودن کار خیلی سختی در دنیاست و از آن سخت‌تر این است که پدر و مادر ایده‌آلی باشید. ما اولین آموزگار فرزندان هستیم. اولین کسانی هستیم که زمانی که کوچک هستند از ما تقلید می‌کنند. پس وظیفه ما این است که با کوشش زیاد بهترین گام‌هایمان به جلو را برداریم. به فرزندانمان اجازه دهیم که هر روزی که می‌گذرد در یک محیط مثبت رشد کنند. بیایید به آن‌ها بگوییم هر روزی که می‌گذرد چقدر خاص است.

این کار علاوه بر یکسان‌سازی کلاس و عدم نیاز به تدریس به دو شیوه و لحن می‌شود بلکه موجب پویایی در نفرات پایین کلاس می‌شود البته این تشویق‌ها در ضریب رشد نباید ما را از دانش‌آموزان زرنگ کلاس باز دارد

معضلات اعتراضات مدیر والدین به خصوص والدین تحصیل کرده که با صبوری و صحبت کردن و دادن آگاهی مطمئناً رفع خواهد شد

۲. ارتقا و ترکیب درس مطالعات اجتماعی و هنر

روایت: مشخصات تجربه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

معلم: آقای مهدی وحیدی فرآموزگار پایه پنجم ابتدایی در سال ۱۳۸۸

مدرسه: دبستان سهیل

گردآورنده تجربه: علی رضایی

روایت: در مورد درس مطالعات اجتماعی سختی کار از این قرار بود که ایشان در هنگام کلاس درس وقتی که درس مطالعات اجتماعی را ارائه می‌دادند علاوه بر کمبود وقت بازخورد نامناسبی را از طرف دانش‌آموزان دریافت می‌کردند مضمون بر اینکه سخت بودن مطالب و بودن آنها شبیه بودن سلسله‌ها و وقایع و همچنین طاقت فرسا بودن در نوشتن سوالات و حفظ مطالب آن.

ایشان با توجه به مشاهداتی که داشتند سعی بر آن داشتند که راه حلی مناسب برای یادگیری هرچه سریع‌تر و با نشاط کردن این درس حفظی انجام دهند آنها مشاهده کردند که همزمان با پخش سریال جومونگ کودکان بسیاری از اشخاص و وقایع را تحلیل و از بر هستند این یک جرقه‌ای در ذهن معلم ایجاد کرد که چرا نمایش کوچک شده ایرا در مدرسه ایجاد کند.

همچنین ایشان تعریف می‌کرد در مورد درس جغرافیا هم هنگامی که در یکی از مدارس پایین شهر تدریس می‌کرد بازخورد منفی از طرف دانش‌آموزان روبرو می‌شد ایشان سعی کردند از راه علاقه آنها به مبحث ماشین‌های سنگین و اینکه آنها در آینده اگر بخواهند شغل اجدادی خود را ادامه دهند باید کشورهای اطراف را با ویژگی‌هایی که دارند از بر باشند و این خود انگیزه‌ای برای جلب توجه دانش‌آموزان به این درس شد.

تحلیل: درس مطالعات اجتماعی یک درس حفظی و تئوری می‌باشد که خود شامل:

الف درس تاریخ که دربرگیرنده شخصیت‌ها و رویدادهای متعدد هست می‌باشد

ب جغرافیا که شامل عناوین فراوانی است می‌باشد

ج علوم مدنی شامل مطالب تئوری زیاد و تعریفی فراوان است.

درس هنر هم فقط محدود به نقاشی و طراحی در مدارس می‌شود و اگر بسیار پیشرفته انجام گیرد در حد کاردستی و کارهای تجسمی است.

برای مثال خیابان مختارنامه که در آن تعدادی شخصیت و رویدادهای بسیار زیادی بود حفظ کردن اشخاص و رویدادها بسیار سخت و پیچیده می‌شد اما اگر کسی که فیلم آن را ببیند تقریباً تسلط کافی می‌یابد و در آن مقطع زمانی تسلط وافی و کافی را خواهد داشت.

متأسفانه الان نوجوانان ما بالاخص دختران ما تاریخی کشور کره را بیشتر از تاریخ خودمان می‌دانند دلیل تماشای بیش از حد فیلم‌های تاریخی این کشور که تعدد شخصیت‌ها و سلسله‌ها را نشان می‌دهد.

نشان دهنده فعال شدن نیم کره راست در جهت منفی می‌باشد.

اما فعالسازی نیمکره راست در جهت مثبت می‌تواند شامل اجرای نمایشنامه‌ها باشد ما هم می‌توانیم به فراخور امکانات خود رویدادها و شخصیت‌های تاریخی را به صورت نمایش برگزار کنیم لباس‌های مخصوص و تنها بر عهده دانش‌آموزان است می‌تواند هم انجام نشود و فقط همان تغییر لحن کافیهست با این کار ما نیمکره راست مغزشان را در جهت مثبت فعال می‌کنیم.

علت هماهنگی کلاس و بر چسب گذاری شخصیت منفی توسط شایان بر اجرا کننده شلوغی هم می‌تواند از مضرات این کار باشد و یا فراموشی دیالوگ‌ها و غیره که با صبر و حوصله و مدیریت معلم حل می‌شود و می‌تواند با اجرای چرخشی به طوری که همه دانش‌آموزان هم شخصیت‌های منفی و هم مثبت را اجرا کنند مورد خنثی سازی معلم قرار گیرد.

در درس جغرافیا هم می‌توان با کاهش مستند و فیلم‌های مربوطه کمک گرفته تا استفاده از علاقه دانش‌آموزان هم نکته بسیار مهمی است مثلاً علاقه به ماشین‌های سنگین و سفر به کشورهای اطراف می‌تواند انگیزه‌ای برای شناختن محصولات پایتخت‌ها ناهمواریها رودها شهرهای مهم زبان‌ها فرهنگ و دین‌های کشورهای اطراف ایران باشد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در علوم مدنی هم می‌توان معرفی فیلم‌های اجتماعی مناسب برای سنین آنها مثلاً برای دوری از بحث اعتیاد و قدرت نه گفتن می‌تواند مثر ثمر باشد.

نمایش خلاق ریشه در نهاد آدمی دارد. نیاکان ما برای مواجه شدن با طبیعت و غلبه بر آن آیین‌ها و مراسم گروهی را ساختند و به کمکش توانستند از دوران غارنشینی گذر کنند. گفتیم که نکته قابل توجه آیین‌های انسان‌های اولیه گروهی بودن و نمایشی بودن آن است و این همان وجه مشترک این مراسم با نمایش خلاق است. نمایش خلاق شیوه‌ای است که به انسان قدرت تجربه، کشف و شهود می‌دهد. شناختی که کم هزینه است چون در دنیای غیر واقعی و نمایشی تجربه می‌شود. در این شکل از دستیابی به معرفت، انسان می‌تواند بودن خود را در مسیری که خودش انتخاب می‌کند هدایت کند و به آن چه می‌خواهد تبدیل شود.

نمایش خلاق خاکستری است که از آن ققنوس پرمی‌کشد

بخش مهمی از پرورش انسان وابسته‌ی بازی، تمرین و عمل است و بازی و بازیگری نیز حوزه‌ی عمل کودک درون انسان است و حاصل آن چیزی جز پرورش انسان و توانایی‌های او در مسیر شدن نیست. در نمایش خلاق به کودکان و نوجوانان فرصت داده می‌شود که در فضایی غیر واقعی و به کمک بازی‌های نمایشی، قصه و فعالیت‌های گروهی، نقاب خود را از چهره بردارند و خودشان و توانمندی‌هایشان را ببینند. در این شکل از فعالیت کودک و نوجوان با مشاهده‌ی خود و دیگران به شناختی خواهد رسید که در بستر تجربه حاصل می‌شود و به همین دلیل این آگاهی می‌تواند شناختی ارزشمند و فعالانه باشد. او بعد از شناختن خود در موقعیت‌های نمایشی و بازی‌های گروهی عمل و عکس‌العمل خواهد داشت و از این طریق در هر لحظه می‌تواند دانش شناختی خود را با داده‌های جدیدی از خودش و گروه همسالانش بسنجد و آن‌ها را کامل کند. در واقع او همواره در حال ساختن و خراب کردن است و در این فرایند رفت و آمدی به آگاهی فردی دست خواهد یافت.

نمایش خلاق روشی آموزشی است که در آن دانسته‌های تربیتی و مهارت‌های نمایشی از حیث نظر و عمل به هم می‌آمیزند. حاصل این آمیزش انسان‌هایی خلاق، منتقد، دانا و فعال است. همان انسان‌هایی که آینده‌ی جهان را رقم خواهند زد. انسان‌هایی که هر لحظه به دنبال کشف کردن جهان، تعامل با آن، رشد کردن شخصی و پرورش دادن محیط اطراف خود هستند. انسان‌هایی که مطیع نیستند، خلاقند و از آگاهی و توانمندی جمعی برای رسیدن به زندگی آرمانی بهره می‌برند.

کشورها امروزه به اهمیت نمایش خلاق و حوزه‌های مربوط به آن پی برده‌اند. در بیانیه‌ی همایش دسته جمعی هنرها و تعلیم و تربیت که توسط انجمن مدیران مدارس اتحادیه‌ی تعلیم و تربیت و مرکز کندی برای هنرهای نمایشی در سال ۱۹۸۵ منتشر شده چنین آمده است:

“آینده ملت ما بستگی به توانایی ما در خلاقیت و خلاق بودن دارد. در دهه‌های آینده مهم‌ترین منابع نیروهای انسانی هستند. اگر قرار باشد ملت ما به استقبال چالش‌های آینده برود مدارس امروز ما لازم است تا به پرورش رهبران خلاق بپردازد”

نمایش خلاق نوعی نمایش فرایندمحور است که به سود شرکت کنندگانش است و هدفش اجرا در مقابل تماشاگر نیست. این نمایش شیوه‌ای برای آموزش و یادگیری بر مبنای گرایش جهانی به بازی نمایشی است که در هر انسانی یافت می‌شود. در این نمایش خود راه هدف است. به عبارت دیگر تاکید بر فرایند تمرین است؛ پرورش توانایی‌های شرکت کنندگان اهمیت دارد و محصول نهایی یا وجود ندارد و یا در اولویت نیست. این همان تفاوت مهم تئاتر و نمایش خلاق است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. اگر تئاتر نور یا آتشی باشد که از درخشش ستاره‌هایش به وجود آمده است، نمایش خلاق خاکستری است که از آن ققنوس پرمی‌کشد زیرا در این فرایند، آدمی خود را می‌شناسد، خود را می‌سنجد، خود را در معرض نقد قرار می‌دهد و از خود، خودی دیگر می‌سازد. خودی که نسبت به قبلیش توانمندتر، خلاق‌تر و آگاه‌تر است. این روش آموزشی روشی انسان‌گرا با نگاهی صلح جو است که تمایزی میان شرکت کنندگانش قائل نیست و آغوشی باز برای پذیرفتن آدمی با هر ویژگی اخلاقی، شخصیتی،



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

فرهنگی، ظاهری و روانی است. در این شیوه، پذیرش تفاوت‌های انسان‌ها و قرارگرفتن آن‌ها در فضایی مشارکتی خصیصه‌ای قابل توجه، ارزشمند و پیشرو است.

آیا نمایش خلاق کودکان مضطرب، خشمگین و (به اصطلاح عام) درون‌گرا را پس می‌زند؟ آنچه در این شیوه‌ی آموزشی-تربیتی مهم است قابل استفاده بودن آن برای تمام انسان‌هاست. این شیوه فقط مخصوص انسان-های اهل سخن، شاد و (به اصطلاح عام) برون‌گرا نیست. نمایش خلاق کمک شایانی به کودکان مضطرب، خشمگین و (به اصطلاح عام) درون‌گرا می‌کند. آن‌ها فارغ از اضطراب و وابستگی‌ها، زندگی واقعی خود را در دنیای نمایشی دوباره می‌سازند خویش را می‌بینند، با اضطراب‌های خود مواجه می‌شوند، زندگی را تجربه می‌کنند و با کمترین هزینه، راه‌هایی برای مواجه شدن با آنچه در دنیای واقعی انتظارشان را می‌کشد پیدا می‌کنند. برای مثال وقتی در زندگی واقعی یک کودک اسباب بازی کودک دیگری را می‌شکند احتمالاً با رفتار فعالانه یا بالعکس منفعلانه‌ی کودک مقابل روبرو می‌شود. اگر بخواهیم به هر دو کودک راه دیگری برای مواجهه با این موقعیت را نشان دهیم باید چه کنیم؟ منتظر بمانیم که دوباره این اتفاق بیفتد و امیدوار باشیم آن‌ها راه دیگری برای عمل و عکس‌العمل پیدا کنند؟ این روش روشی پرهزینه و گاهی بی‌حاصل است. براساس تجربه باید گفت وقتی کودکان در فرایند نمایش خلاق موقعیتی این‌چنینی را تجربه می‌کنند با تسهیل‌گری آگاهانه‌ی مربی می‌توانند با کمترین هزینه روانی و جسمی از تجربه‌کردن این موقعیت نمایشی اندوخته‌ی خود را بردارند و در موقعیت واقعی از آن استفاده کنند.

داشتن روابط اجتماعی فعالانه، داشتن حس همدلی، داشتن درک متقابل، پذیرفتن تفاوت‌های فردی و عناوینی این‌چنینی یاددانی هستند و نباید از کودکان و نوجوانان انتظار داشته باشیم بدون آموزش به همه‌ی این ویژگی‌ها و توانمندی‌ها دست یابند. بیا بید توشه‌ی مسیر پر فراز و نشیب زندگی را در اختیار کودکانمان قرار دهیم و سپس از آن‌ها بخواهیم مستقلانه زندگی کنند و از پس مشکلات آن برآیند. نمایش خلاق بستری مناسب برای این آموزش‌هاست زیرا بر محور روایت و بازی است و آموزش در بستر تجربه و به شکل غیر مستقیم و براساس ویژگی‌های شخصیتی افراد صورت می‌گیرد.

مطالعه بخش اول

روایتگری ابزار مهمی در نمایش خلاق است آدمی قصه و نمایش را ساخت و به کمک آن به انسان خردمند تبدیل شد. روایتگری ریشه در مسیر خردمندی انسان دارد و کودکان نیز به شکل‌گریزی روایتگرانی ماهرند. یکی از ابزارهای مهم نمایش خلاق قصه‌گویی است. در این شکل از قصه‌گویی کودکان و نوجوانان به دو شکل دنیای قصه‌ها را تجربه می‌کنند. آن‌ها گاهی روایتی را می‌شنوند و براساس شخصیت‌ها و موقعیت‌های داستان عمل و عکس‌العمل خواهند داشت و در مسیر این روایتگری و براساس توانمندی‌های خود، با توجه به ظرفیت و انتخاب گروه مسیر داستان را تغییر می‌دهند، شخصیتی به آن اضافه یا کم کنند. موقعیتی را تغییر می‌دهند و یا مسئله را به شیوه‌ای دلخواه حل می‌کنند. نوع دیگر، روایتگری خلاق است. آن‌ها به صورت بداهه به خلق داستان گروهی می‌پردازند و در مسیر خلق داستان علاوه بر تقویت دانش زبانی و مهارت‌های بیانی خود به تقویت مهارت حل مسئله نیز می‌پردازند. پس یکی از عناصر مهم نمایش خلاق روایتگری خلاقانه با محوریت اجراست.

“بازی‌های گروهی و بازی‌های نمایشی” و نقش مهم آن‌ها در نمایش خلاق



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

همه‌ی انسان‌ها گرایش به بازی دارند. نمایش خلاق با اتکا به این تمایل در فرایندی بازی محور به پرورش مهارت‌های بیانی، دانش زبانی، تمرکز و کارگروهی می‌پردازد و از آنجائی که همه‌ی این اهداف در فرایندی بازی محور محقق می‌شوند برای شرکت‌کننده لذت بخش خواهند بود.

بازی‌های نمایشی که در آن شرکت‌کنندگان موقعیت‌های گوناگون را در نقش‌های مختلف بازی می‌کنند "دیدن و شنیدن فعالانه" را تقویت می‌کند. در این بخش از کلاس‌های نمایش خلاق است که شرکت‌کننده به توانایی‌های بازیگری خود آگاه می‌شود و از آنجائی که روند اجرای بازی‌ها مطابق با مرحله‌ی رشد کودک و نوجوان است فشار روانی بازی او را تهدید نمی‌کند.

در بازی‌های نمایشی از اگر جادویی استفاده می‌شود. اگر من جای او بودم.....

این چنین است که شرکت‌کننده مرز بین دنیای واقعیت و تخیل را درمی‌یابد و به بازسازی دنیای واقعی در موقعیت نمایشی می‌پردازد اما آن را به عنوان یک واقعیت باور نمی‌کند و این آگاهی به او کمک می‌کند تا بهره‌ی کافی را از این بازی ببرد. او بحران را می‌آزماید، نگرش‌ها و توانایی‌های خود را محک می‌زند و در آخر با اگر دیگر نقشی دیگر را تجربه می‌کند. این تجربه‌ها به او امکان به دست آوردن زوایای دید مختلف در مواجهه با مسائل را می‌دهد.

در این شکل از بازی امتیاز، رتبه بندی، برد و باخت وجود ندارد و امکان ابراز وجود به همه شرکت‌کنندگان داده می‌شود.

نتیجه گیری

نتایج این تحقیقات کاملاً در سر کلاس درس اینجانب انجام گرفت بر این مبنا بود که به آرامی دانش‌آموزانی که شوق اشتیاق به درس خواندن نداشتند با تشویق میزان پیشرفت آنها تحت نام دانش‌آموزان تلاشگر و همسطح با دانش‌آموزان نخبه کلاس به این خودباوری رسیدند که آنها هم می‌توانند در جریان فرایند‌های مربوط به مدرسه موفق باشد و نوعی اعتماد به نفس واقعی در آنها شکل گرفت و کم‌کم در پایان تحصیلی از میان این گروه متوسط که ابتدا از دانش‌آموزان سطح پایین کلاس انتخاب شده بودند تعدادی دانش‌آموز وارد گروه نخبه کلاس شدن و حتی با نخبه‌های کلاسیک کلاس هم رقابت دوستانه ای را در پیش گرفتند.

از طرفی وقتی حجم بالای مطالب درسی کلاس مطالعات اجتماعی چهارم دبستان را در ابتدا آموزش می‌دیدند بسیار ابراز ناامیدی و سرشکستگی می‌کردند اما در بخش تاریخ یادگیری آنها به حد بالایی رسید و هر کدام نقشی را برعهده می‌گرفتند بنابراین هم کمک به بازیگری و شرکت در تئاتر آنها و تشویق آنها انتخاب این شغل می‌شد و هم مطالب کتاب‌های درسی را همچون سریالی در مقابل چشمان خود می‌دیدند البته که انتخاب این روش هم سختی‌های خود را داشت از جمله کنترل کردن کلاس اما از لحاظ صرفه جویی در وقت بسیار مناسب و کمک کار بود

تشکر و قدردانی

تشکر از اساتید گرانقدر دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه که ما را در این امر همراهی کردند.

مراجع

۱. دفتر کادر درمانی دکتر پیشیاره سایت



۲دفتر مشاوره روان نیک سایت

۳<https://wowparenting.com/blog/tricks-to-stop-comparing-your-kids-with-other/>

<https://www.beingtheparent.com/stop-comparing-your-child>

<https://www.baby-chick.com/stop-comparing-your-child-to-others>

<https://www.care.com/c/stories/۱۶۵۵۳/stop-comparing-your-kid-to-others>

کتاب نمایش خلاق - نویسنده: یدالله آقا عباس - نشر قطره

کتاب تئاتر درمانی - نویسنده: فیل جونز - ترجمه: چیستا یثربی

نوشته های موسسه فرهنگی هنری ایده